

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قرشی- کابل

۲۴ دسمبر ۲۰۲۰

منشأ تضاد بین "غنی+روغنی" و "ولسی جرگه"

۳

چهارشنبه ۰۳ جدی ۱۳۹۹ - کابل:

۲- حملات مستقیم "امرا لله صالح"، آنها در محضر تمام کشورهایائی که قصد کمک به دولت دست نشانده را داشتند و از طریق حملات، "ولسی جرگه" را به مثابه منبع فساد در افغانستان معرفی نمودن، هرچند از طرف اعضای پارلمان بدرستی درک نشد و فقط تعدادی از آنها فهمیدند که در پس آن حملات گستاخانه اخوان بچه جاسوس چه نهفته است، مگر کسانی که در امور سیاسی آشنائی دارند، حدس زدند که چنین حملاتی می تواند سرآغاز حملات بعدی به منظور زمینه چینی جهت اعلام انحلال "ولسی جرگه" از جانب "غنی احمدزی" باشد.

به دوام این حمله علی رغم دلجوئی موقتی "غنی احمدزی" از اعضای اداری "ولسی جرگه" و به نحوی سپردن تعهدی که من بعد اخوان بچه جاسوس بر آنها نخواهد تاخت، باز هم شاهدیم که همسرش "روغنی" با آن کلماتی که در خور هیچ انسان شرافتمندی نیست، بر تمام اعضای "ولسی جرگه" اتهام "رای فروشی" که به تعبیر وطنی چیزی در حد "ناموس فروشی" است وارد نمود.

طی چند روز گذشته به این هم اکتفاء ننموده همه شاهدیم که رسانه های وابسته به قوه مجریه و یا نزدیک به آنها، جهت داغ نگه داشتن تنور جنگ، ضمن آن که گریز پائی های اعضای "ولسی جرگه" را با بوق و سرنا به خورد مردم داد، از تلمبار شدن بیش از ۱۰۰ فرمان تقنینی شخص "غنی احمدزی" که تقریباً ۹۰ درصد آنها در تقابل و ضدیت مطلق با قوانین جاری اداری و حتا قانون اساسی ساخت استعمار قرار دارد، در "ولسی جرگه" نیز یاد نموده، از یک جانب نغمه بی کفایتی "ولسی جرگه" را با صدای بلند فریاد می زنند و از جانب دیگر عدول و خروج قوه مجریه را از قانون و آن قوه را قانون گریز معرفی داشتن، گوش ها را کر می نمایند.

این جدال که در ظاهر امر به علت باجخواهی های متقابل قوه مجریه و قوه مقننه از یک دیگر آغاز یافته است، در واقعیت امر منبعت از همان منشأ مستعمراتی کشور می باشد که چنین تقابل هائی چیزی بیشتر از بیان عدم توازن در همکاری و تقابل دو قوه نمی تواند باشد.

تا جائی که از گفته های مردم و آوازه های سرچوک بر می آید، علت خشم و خصومت "روغنی" را با "ولسی جرگه" به نحوی اهانت شخصی به خودش از جانب "ولسی جرگه" می دانند. بدین معنا که طبق همین آوازه ها، "اجمل احمدی" فعلاً سرپرست "دافغانستان بانک" که لبنانی الاصل و یکی از افراد مورد اعتماد "روغنی" است و از طرف وی بدین

مقام گماشته شده است، وقتی از "ولسی جرگه" نه تنها رأی اعتماد نگرفت بلکه از جمع بیش از ۲۵۰ رأی دهنده، صرف ۷۲ تن به وی رأی دادند و بقیه همه رأی منفی دادند، این حرکت را "روغنی" ضدیت "ولسی جرگه" با خود دانسته، از همین رو آنها را متهم به رأی فروشی و خیانت نمود. امری که در همانجا محدود نمانده، با دخول یک تن از سگهای هار "غنی احمدزی" یعنی "شاه حسین مرتضوی" مشاور امور فرهنگی رئیس جمهور به قضیه و "روغنی" را "صد ها بار وطن دوست تر" از "حبيب الرحمان پدram" به اصطلاح نماینده هرات معرفی نمودن، نه تنها حکایت از دوام درگیری و چه بسا اوجگیری بیشتر آن دارد، بلکه می تواند روند تقابل نهائی را در چشمرس قرار دهد. روندی که چه بسا شباهت هائی با حمله تویخانه "یلتسین" به نام دفاع از دموکراسی بر پارلمان روسیه در دهه ۹۰ قرن گذشته پیدا نموده، "غنی احمدزی" با اجازه و حتا صوابدید و دستور مستقیم اشغالگران، انحلال "ولسی جرگه" را به علت های عدیده من جمله فساد گسترده و تبدیل آن به یک لانه فساد و خرید و فروش رأی اعلام بدارد، تا زمینه ای گردد برای انحلال کامل دولت دست نشانده جهت آمدن طالب و تشکیل حاکمیت طالب زیر نام "حکومت موقت".

هموطنان گرامی!

هرگاه دقت نموده باشید، در سه قسمت گذشته کوشیدم تا مختصراً راجع به منشأ، شکلگیری وحدت یابی تضاد بین "غنی+روغنی" و "ولسی جرگه" بپردازم، چون در جریان این روزها، اینجا و آنجا بحث ها در ابعاد دیگری در همین زمینه ادامه یافته است، علی رغم آن که می دانم هموطنان ما با طولانی نویسی و به گفته خودشان "روده درازی" موافق نیستند، بحث در این مورد را باز هم پی خواهم گرفت.

ادامه دارد.